

**مشاوره:** قواعد این درس از نظر ترجمه‌ای فوق‌العاده نکات مهمی دارند، علی‌الخصوص تأثیر فعل «کان» بر فعل‌های بعدی فعل‌های شبیه به آن‌ها را یاد بگیرید که با فعل‌های ناقصه اشتباه نگیرید. پس دقیق و موشکافانه درسنامه آن را چندبار بخوانید این بخش بیاید و شروع به پاسخ دادن آن‌ها کنید.

۲۰) تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاكِصَةِ:

۲۳۶۳. ﴿كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾

۲۳۶۴. كَانَ عَلِيٌّ فَرِحًا.

۲۳۶۵. أَصْبَحْتُ نَادِمًا.

۲۳۶۶. كُنَّا نَسْمَعُ أَشْعَارَ هَوْلَاءِ الشُّعْرَاءِ.

۲۳۶۷. كُنْتُ أَبْتَعِدُ عَنِ الْكُذْبِ دَائِمًا.

۲۳۶۸. أَلَيْسَ الصَّبْرُ مِفْتَاحَ الْفَرَجِ؟

۲۳۶۹. كَانَ الْمُعَلِّمُ ذَهَبَ إِلَى الضَّفِّ.

۲۳۷۰. لَيْسَ لَنَا عِلْمٌ.

۲۳۷۱. حَدِيقَتُنَا صَارَتْ مَمْلُوءَةً بِالْأَشْجَارِ الْجَمِيلَةِ.

۲۳۷۲. لَيْسَ الدَّرْسُ صَعْبًا.

۲۳۷۳. كَانَ عِنْدِي كِتَابٌ.

۲۳۷۴. كَانَ الْقَمَرُ أَيْضًا.

۲۳۷۵. يُصْبِحُ الْجَوْ فِي الشِّتَاءِ بَارِدًا.

۲۳۷۶. كَانَ الْأَطْفَالُ لَعِبُوا.

۲۳۷۷. صَارَتْ الْأَرْضُ بَعْدَ نَزُولِ الْمَطْرِ مُخْضِرَةً.

۲۳۷۸. كَانَ عِنْدِي جَوَالٌ.

۲۳۷۹. ﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾

۲۳۸۰. كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً.

۲۳۸۱. كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ.

۲۳۸۲. كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

۲۳۸۳. ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضِرَةً﴾

۲۳۸۴. لَيْسَ الدُّكْتُورُ التُّونِجِيُّ مُؤَلِّفَ كِتَابِ كَلِيلَةِ وَدَمْنَةِ.

(۱۴ سؤال)

انتخاب ترجمه صحیح بر اساس قواعد فعل‌های ناقصه

۲۱) اِنْتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الْمُنَاسِبَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاكِصَةِ:

۲۳۸۵. «كَانَ اللَّهُ أَعْلَمَ بِأَعْمَالِنَا»: خداوند [نسبت] به کارهایمان داناتر (است) بود (○).

۲۳۸۶. «كَانَ الثَّلْجُ أَيْضًا اللَّوْنُ»: برف سفیدرنگ (است) بود (○).

۲۳۸۷. «أَلَيْسَ اللَّهُ أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ»: آیا خداوند داورترین داوران (نبوده است) نیست (○).

۲۳۸۸. «كَانَ اللَّيْلُ مُظْلَمًا»: شب تاریک (بود) است (○).

۲۳۸۹. «أَصْبَحَ النَّاسُ بِنِعْمَةِ اللَّهِ إِخْوَانًا»: مردم به نعمت خدا برادر (هستند) شدند (○).

① كَانَ الْبَابُ مَفْلُوقًا — در سببه بود <sup>در حد</sup>

② كَانَ اللَّهُ غَفُورًا  
خداوند بسیار آمرزنده است

③ كَانَ الْبَرِّعُ مُخْفِضَةً — چهار سبب است  
امریات و همی

④ كَانَ الْهَوُّ فِي السَّمَاءِ بَارِدًا (هوادر زرفان سرد است)

⑤ كَانَ فِي يُوسُفَ وَيَاخُوذَ آيَاتٌ لِلْمَسْأَلِينَ  
در یوسف و یازده نشانهایی بر آسوال کنندگان است

⑥ كَانَ الطُّلَّابُ (قَدْ) كَسَبُوا نَوْسَةً بوردند  
اختیاری ماضی

⑦ كَانَ الطُّلَّابُ يَسْمَعُ — می شنیدند  
مفارع

⑧ كَانَ لِكُلِّ شَهَادَةٍ فِي الْحَاسِبِ  
مدربنی در روایانه دانش

⑨ كَانَتْ سَأَلْنَا  
بودیم

لِ رَدِّكَ

اول جمله بدست میزد

دارم رداری کوز

یا  
عند

یا  
اسم

↓  
ماکتتِ حال

کنا کتاب : داریم [ ماکتتِ حال  
سِ حاتم - دارم ]

کان لنا کتاب = داشتیم [ ماکتتِ گذشته  
کان سِ حاتم = داشتیم ]

در فرمول های بالا خانواره «کان» هم صدق می کند

خانواره کان ماضی

انا (من) کنت بورم  
نحن (ما) کنا بورم

هو (او) کان بور

هما (آنها) کانا بورند

هم (آنها) کانوا بورند

هی (او) کانت بورند

هما (آنها) کانتا بورند

هن (آنها) کنن بورند

از صغیر هن تا آخر سخن

الف «کان» را برای ماضی تلفظ

خذف می کنند

کنت لا اعرف

ماضی التمراری

من نصی دانستم

انت (تو) کنت بوری

انتما (شما) کنتما بورید

انتن (شما) کنتن بورید

انتها (شما) کنتها بورید

انتن (شما) کنتن بورید



ضمیمه

صرف فعل «یُضِیخ»

یُضِیخون: می شوند	تُضِیخان: می شوند	تُضِیخ: می شود	یُضِیخون: می شوند	یُضِیخان: می شوند	یُضِیخ: می شود
تُضِیخون: می شوید	تُضِیخان: می شوید	تُضِیخین: می شوی	تُضِیخون: می شوید	تُضِیخان: می شوید	تُضِیخ: می شوی
				تُضِیخ: می شویم	أضِیخ: می شوم

صرف فعل امر «یُضِیخ»

أضِیخن: بشوید	أضِیحا: بشوید	أضِیحي: بشو	أضِیخوا: بشوید	أضِیحا: بشوید	أضِیخ: بشو
---------------	---------------	-------------	----------------	---------------	------------

صرف فعل «لَیْسَ»

لَیْسُن: نیستند	لَیْسَتا: نیستند	لَیْسَت: نیست	لَیْسوا: نیستند	لَیْسا: نیستند	لَیْس: نیست
لَیْسُن: نیستید	لَیْسُها: نیستید	لَیْسَت: نیستی	لَیْسُهم: نیستید	لَیْسُها: نیستید	لَیْسَت: نیستی
				لَیْسنا: نیستیم	لَیْسَت: نیستم

وجه ۱: فعل «لَیْسَ: نیست» مضارع، امر و فعل های دیگر ندارد.

وجه ۲: معنای فعل «صار» و فعل هایی که از آن ساخته می شود با فعل «أضِیخ» و فعل هایی که از آن ساخته می شود تقریباً یکی است و به معنای

شده می باشد.

صرف فعل های «کان، صار، اَصْبَح، نَهَس» به صورتها ماهی، مضارع و امر مخاطب

صرف فعل «کان»

کان: بود	کانا: بودند	کانوا: بودند	کانت: بود	کانتا: بودند	کنت: بودند
تنت: بودی	تنتما: بودید	تنتم: بودید	تنت: بودی	تنتما: بودید	تنتن: بودید
تنت: بودم	تنتا: بودیم				

صرف فعل «یکون»

یکون: می باشد	یکونان: می باشند	یکونون: می باشند	تکون: می باشد	تکونان: می باشند	تکونن: می باشند
تکون: می باشی	تکونان: می باشید	تکونون: می باشید	تکونین: می باشی	تکونان: می باشید	تکونن: می باشید
اکون: می باشم	اکونان: می باشیم				

صرف فعل امر «یکون»

کُن: باش	کونا: باشید	کونوا: باشید	کونی: باش	کونا: باشید	کنت: باشید
----------	-------------	--------------	-----------	-------------	------------

صرف فعل «صار»

صار: شد	صارا: شدند	صاروا: شدند	صارت: شد	صارتا: شدند	صارتن: شدند
صرت: شدی	صرتما: شدید	صرتم: شدید	صرت: شدی	صرتما: شدید	صرتن: شدید
صرت: شدم	صرتا: شدیم				

صرف فعل «تصیر»

تصیر: می شود	تصیران: می شوند	تصیرون: می شوند	تصیر: می شود	تصیران: می شوند	تصیرن: می شوند
تصیر: می شوی	تصیران: می شوید	تصیرون: می شوید	تصیرین: می شوی	تصیران: می شوید	تصیرن: می شوید
اصیر: می شوم	اصیران: می شویم				

صرف فعل امر «تصیر»

صیر: بشو	صیرا: بشوید	صیروا: بشوید	صیری: بشو	صیرا: بشوید	صرتن: بشوید
----------	-------------	--------------	-----------	-------------	-------------

صرف فعل «اَصْبَح»

اَصْبَح: شد	اَصْبَحا: شدند	اَصْبَحوا: شدند	اَصْبَحت: شد	اَصْبَحتا: شدند	اَصْبَحتن: شدند
اَصْبَحت: شدی	اَصْبَحتما: شدید	اَصْبَحتم: شدید	اَصْبَحت: شدی	اَصْبَحتما: شدید	اَصْبَحتن: شدید
اَصْبَحت: شدم	اَصْبَحتا: شدیم				